

بررسی صوت‌شناختی فرایند واجی همگونی همخوان با همخوان در گویش اردبیلی و شناخت یکپارچگی ساختاری در نگارگری مکتب تبریز

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی صوت‌شناختی (آکوستیکی)، فرایند واجی همگونی همخوان (صامت) با همخوان (صامت) در گفتار ترک‌زبانان گویش اردبیلی که یکی از گویش‌های ترکی آذربایجانی است، می‌پردازد. هدف این پژوهش بررسی واج یا واج‌های جایگزین شده و تمایز آن با واج یا واج‌های اصلی از نظر ماهیت هست. برای این منظور در حوزه‌های دیرش، شدت صوت، سازه‌های اول (۱F)، دوم (۲F) و سازه سوم (۳F) تحلیل صوت‌شناختی (آکوستیکی) صورت گرفته است. به‌منظور تجزیه و تحلیل صوت‌شناختی (آکوستیکی)، با استفاده از نرم‌افزار پرت گفتار شش گویشور مورد استفاده قرار گرفته است. بررسی‌های صوت‌شناختی (آکوستیکی) هرکدام از آواها در بافت‌های همگون در موقعیت پایانه هجا انجام یافته و ویژگی‌های به‌دست آمده در بافت همگون با ویژگی‌های صوت‌شناختی (آکوستیکی) همان آواها در بافت غیرهمگون مقایسه گردید. نتایج نشان‌دهنده فرایند واجی همگونی همخوان (صامت) با همخوان (همخوان) در گویش اردبیلی، همگونی صوت‌شناختی (آکوستیکی) در حوزه‌های دیرش، شدت، سازه اول، دوم و سازه سوم می‌باشد. مسئله دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته یکپارچگی ساختاری در مکتب نگارگری تبریز و مختصات آن است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی صوت‌شناختی (آکوستیکی) فرایند واجی همگونی همخوان (صامت) با همخوان (صامت) در گفتار ترک‌زبانان گویش اردبیلی.
۲. بررسی یکپارچگی ساختاری در نگارگری مکتب تبریز.

سؤالات پژوهش:

۱. صوت‌شناختی (آکوستیکی) فرایند واجی همگونی همخوان (صامت) با همخوان (صامت) در گفتار ترک‌زبانان گویش اردبیلی چگونه است؟
 ۲. یکپارچگی ساختاری در نگارگری مکتب تبریز چگونه است؟
- کلیدواژه‌ها:** همگونی، شدت صوت، سازه، صوت‌شناختی، مکتب تبریز.

مقدمه

یکی از متداول‌ترین فرایندهای واجی، همگونی است. فرایند همگونی در همه زبان‌های دنیا، تقریباً پدیده‌ای رایج است (کرد زعفران لو کامبوزیا، ۱۳۹۰:۱۶۷). در نتیجه عملکرد این فرایند، آواهای مجاور تا حدودی به هم شبیه یا یکسان می‌شوند. در این فرایند، یک آوا ویژگی‌ها یا مشخصه‌های آوای مجاور را می‌گیرد یا دو آوا مشخصه‌هایی از همدیگر می‌گیرند یا مشخصه یک آوا به آوای هم‌جوار گسترش پیدا می‌کند (ادن^۱، ۲۰۰۵:۲۲۸؛ کاتامبا^۲، ۱۹۸۹:۳۶؛ لدفوغد^۳، ۲۰۰۰:۱۱۳؛ یول^۴، ۱۹۸۵:۴۸؛ لاینز^۵، ۲۰۰۷). فرایند همگونی در موقعیت‌های همخوان (صامت) با همخوان (صامت)، همخوان (صامت) با واکه (مصوت)، واکه (مصوت) با واکه (مصوت) و واکه (مصوت) با همخوان (صامت) صورت می‌گیرد. در همگونی همخوان (صامت) با همخوان (صامت)، یک واحد واجی^۶ به واحد واجی دیگر، در یک یا چند مشخصه شبیه می‌شوند. همگونی از نظر جهت به سه گروه پیشرو، پس‌رو و دوسویه و از لحاظ درجه شباهت به سه گروه همگونی در یک مشخصه، همگونی در چند مشخصه و همگونی کامل تقسیم می‌گردد. در این پژوهش همگونی همخوان با همخوان بررسی شده است.

استیونس و همکاران (۱۹۹۲) مشخصه واکداری و تقابل حنجره‌ای^۷ را در صداها و سایشی زبان انگلیسی آمریکایی از لحاظ ویژگی‌های صوت‌شناختی (آکوستیکی) مطالعه کرده‌اند و نتایج بررسی‌های آن‌ها تأثیر آشکار بافت آوایی را از لحاظ فیزیکی بر واکدار شدن سایشی‌های سخت و نرم نشان می‌دهد؛ به‌عنوان سایشی‌های نرم /z/ و /v/ در ۲۹ مورد قبل از یک سایشی سخت مانند /s/ و /f/ از لحاظ مشخصه واکداری، دچار فرایند همگونی می‌گردند؛ در صورتی‌که همگونی سایشی‌های نرم /z/ و /v/ از نظر تعداد در مشخصه واکداری قبل از یک سایشی نرم و یا قبل از واکه به ۸۵ مورد افزایش پیدا می‌کند.

مانوئل و استیونس (۱۹۹۵) درباره همگونی همخوان (صامت) تیغه‌ای با همخوان (صامت) لبی، معتقدند هم تفاوت در گذر سازه دوم میان همخوان‌های تیغه‌ای و لبی و هم جایگاه بدنه زبان در اعمال این فرایند، مؤثرند؛ به‌صورت که جلو آمدن بدنه زبان، باعث افزایش سازه دوم در همخوان‌های (صامت‌های) تیغه‌ای نسبت به همخوان‌های (صامت‌های) لبی می‌شود؛ و هنگام همگونی همخوان (صامت) تیغه‌ای با همخوان (صامت) لبی، بست لبی هم بر بست تیغه‌ای و هم بر جلو آمدن بدنه زبان اثر می‌گذارد؛ به‌عبارت‌دیگر، همخوان (صامت) تیغه‌ای در اثر اعمال فرایند همگونی، به‌صورت لبی شده تلفظ می‌شود؛ اما تأثیر صدای زیربنایی تیغه‌ای در طیف نگاشت، نمایان می‌شود. مقوله دیگری که در این پژوهش بررسی می‌شود بازشناسی یکپارچگی ساختاری در نگارگری مکتب تبریز است.

^۱. Odden

^۲. Katamba

^۳. Ladefoged

^۴. Yule

^۵. Lyons

^۶. Segment

^۷. Laryngeal

نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل و مطالعه داده‌ها براساس مطالعه طیف نگاشت و موج صوتی نشان داد که در زیربنای فرآیند واجی همگونی همخوان (صامت) با همخوان (صامت) در گویش اردبیلی، نوعی تغییر صوت‌شناسی در مشخصه‌های فیزیکی دیرش، شدت، سازه اول، دوم و سازه سوم وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل صوت‌شناختی (آکوستیکی) داده‌ها مشخص می‌کند که فرآیند همگونی همخوان (صامت) با همخوان (صامت) در گویش اردبیلی، نه تنها همگونی در سطح تولید (تظاهر آوایی) را اثبات می‌کند بلکه نوعی همگونی صوت‌شناختی در مشخصه‌های سازه دوم را نیز نشان می‌دهد. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد مؤثرترین مشخصه در فرآیند همگونی سازه دوم است اما سازه‌های دیگر نیز از قبیل شدت صوت، دیرش، زیروبمی، سازه‌های اول و دوم نیز به‌نوبه خود در فرآیند همگونی همخوان با همخوان دخیل هستند. یافته‌های این پژوهش به‌نوعی منطبق با یافته‌های هان (۲۰۰۵) است. هان (۲۰۰۵) در بررسی صوت‌شناختی (آکوستیکی) فرآیند همگونی اعمال‌شده بر همخوان‌های (صامت‌های) خیشومی تیغه‌ای در موضع پایانی واژه و در نتیجه لبی‌شدگی آن‌ها در مجاورت همخوان‌های (صامت‌های) لبی در موضع آغازین واژه بعدی و با اندازه‌گیری بسامد سازه‌ها، به این نتیجه رسیده است که بسامد سازه دوم واکه در مرحله پایانی تولید و بست خیشومی به‌عنوان مؤثرترین عامل همگونی است.

هان (۲۰۰۵) در بررسی صوت‌شناختی (آکوستیکی) فرآیند همگونی اعمال‌شده بر همخوان‌های (صامت‌های) خیشومی تیغه‌ای در موضع پایانی واژه و در نتیجه لبی‌شدگی آن‌ها در جوار همخوان‌های (صامت‌های) لبی در موضع آغازین واژه بعدی و در پی اندازه‌گیری بسامد سازه‌ها، به این نتیجه رسیده است که بسامد سازه دوم واکه در مرحله پایانی تولید و بست خیشوم به‌عنوان عوامل مؤثر در این فرآیند همگونی، برای تشخیص صورت‌های زیربنایی آواها کافی است؛ به‌عبارت‌دیگر، شنودگان با تکیه بر این ویژگی‌های صوت‌شناختی (آکوستیکی)، جایگاه تولید صورت‌های زیربنایی آواهای همگون‌شده را درک می‌کنند؛ بدون آن‌که به بافت واجی نیازی داشته باشند. هان در این راستا، به‌عنوان مثال، نحوه تلفظ توالی /VN#b/ را که یکی از شرکت‌کنندگان در آزمون گفته است، از لحاظ صوت‌شناختی (آکوستیکی) بررسی کرده و براساس طیف نگاشت آن دریافته است جایگاه سازه دوم برای همخوان‌های (صامت‌های) تیغه‌ای همگون‌شده، متفاوت از همخوان‌های لبی زیربنایی است و این تفاوت صوت‌شناسی (آکوستیکی) بر اثر اعمال فرآیند همگونی بر همخوان (صامت) ایجاد شده است.

منابع و مآخذ:

- بی جن خان، محمود. (۱۳۹۲). نظام آوایی زبان فارسی. تهران: سمت.
- (۱۳۹۲). واج‌شناسی: نظریه بهیمنگی. تهران: سمت.
- حسینی، سیدمحمود. (۱۳۹۲). شاهنامه بزرگ ایلخانی (دموت). تهران: عطار.
- زارعی فارسانی، احسان و قاسمی، مریم. (۱۳۹۸). «ترکیب‌بندی در نگارگری ایرانی با تأکید بر مضمون و اصول سنت‌های تصویری». فصلنامه جلوه هنر، دوره ۱۱، شماره ۲.
- زاهدی، کیوان و فخاریان، فیضیه. (۱۳۹۰). «همگونی همخوان‌ها در زبان فارسی نوین: رویکرد واج‌شناسی هندسه مشخصه‌ها». مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره دوم، صص ۴۴-۴۷.

- کامبوزیا، عالیہ کرد زعفرانلو. (۱۳۹۰). واج‌شناسی: رویکردهای قاعده بنیاد. تهران: سمت.
- کامبوزیا، عالیہ کرد زعفرانلو و دیگران. (۱۳۹۵). «همگونی همخوان با همخوان در گویش دماوندی: نظریهٔ هنسهٔ مشخصه‌های واجی». دو فصلنامهٔ زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز، شمارهٔ اول، صص ۷۲-۴۳.
- مدرسی قوامی، گلناز. (۱۳۹۲). آواشناسی: بررسی علمی گفتار. تهران: سمت.
- موسوی، ندا. (۱۳۹۴). آشنایی با نرم افزار پرت. تهران: نشر نویسه پارس.
- معمارزاده، محمد. (۱۳۸۸). «نقاشی عصر صفوی (مکتب تبریز و اصفهان)». جلوه هنر، دوره جدید، شماره ۲، ۳۹-۴۶.
- McCarthy, J.J. (۱۹۸۸). "Feature geometry and dependency: a review", *phonetic*, ۴۳, ۸۴-۱۰۸.
- Roach, P. (۲۰۰۰). *English Phonetics and phonology, A Practical course*, ۳ ed., Cambridge University Press.